

An Analysis of the Citizenship Rights of Innocent Prisoners (Compensation for Social and Economic Damage) and It's Procedure in the Iranian Legal System

Abstract

The Constitution of the Islamic Republic of Iran pays special attention to the observance of human rights, especially freedom, which is one of the most obvious, and this human right is sometimes violated by law enforcement officials. In the present article, according to the approach of the Code of Criminal Procedure, the reference of the investigation and the method of calculating and demanding compensation for the innocent prisoner, which has not received much attention, has been examined. The main question raised and examined in this article is what institution is the investigating authority and what is the basis for calculating and demanding compensation for innocent prisoners in Iranian criminal law? The present study is a descriptive-analytical study and using the library method has examined the mentioned question that there is a great deal of compatibility with public ethics and individual rights regarding the authorities and the method of calculating and claiming compensation in Iranian law. In Iranian criminal law, a claim for compensation of an innocent prisoner can be claimed in a three-member commission and in special cases in public and legal courts. Also, the payment of financial compensation is the most important method of compensating innocent prisoners in the Iranian legal system, and the results of the study indicate that there are ambiguities about how to calculate compensation.

Keywords: Reference authority, Compensation method, Innocent prisoner, Material and moral damage, Commission

تحلیلی بر حقوق شهروندی زندانی بی گناه (جبران خسارت اجتماعی و اقتصادی) و آیین دادرسی آن در نظام حقوقی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۶

مسلم غلامی^۱

کیومرث کلانتری درونکلا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۹

ایرج گلدوزیان^۳

حمیدرضا اسماعیلی^۴

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر رعایت حقوق انسانی، بالاخص آزادی که از بارزترین آن است، توجه خاصی دارد که بعضاً این حق بشری از سوی متولیان اجرای قانون نقض می گردد که لزوم اخلاقی و قانونی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی گناه امری غیرقابل انکار است که در مقاله حاضر با توجه به رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری، به بررسی مرجع رسیدگی و نحوه محاسبه و مطالبه جبران خسارت زندانی بی گناه که چندان مورد توجه قرار نگرفته است، پرداخته شده است. سؤال اساسی که در این مقاله مطرح و مورد بررسی قرار گرفته این می باشد که مرجع رسیدگی چه نهادی و نحوه محاسبه و مطالبه جبران خسارت زندانی بی گناه در حقوق کیفری ایران بر چه اساسی است؟ تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است که در خصوص مراجع رسیدگی و نحوه محاسبه و مطالبه جبران خسارت در حقوق ایران تا حد زیادی با اخلاق عامه و حقوق افراد سازگاری وجود دارد. در حقوق کیفری ایران دعوای جبران خسارت زندانی بی گناه در کمیسیون سه نفره و در موارد خاصی در دادگاه‌های عمومی و حقوقی قابل مطالبه می باشد. همچنین پرداخت غرامت مالی مهمترین شیوه‌های جبران خسارت زندانی بی گناه در نظام حقوقی ایران است و نتایج تحقیق بیانگر این امر است که ابهاماتی در خصوص نحوه محاسبه جبران خسارت مشهود می باشد.

کلید واژه‌ها: مرجع رسیدگی، نحوه جبران خسارت، زندانی بی گناه، خسارت مادی و معنوی، کمیسیون

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

^۲ استاد تمام گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. Kalantar@nit.ac.ir

^۳ استاد تمام گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. miramts@yahoo.com

^۴ استادیار گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. Hamid.esmaeili.46@gmail.com

مقدمه

در قوانین ما تا قبل از تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقرراتی که ضرورت پرداخت خسارت بازداشت شدگان بی‌گناه به طور صریح را ایجاب نماید وجود نداشت، قانونگذار با لحاظ قرار دادن قواعد بین‌المللی حقوق بشری و در یک رویکرد عدالت محور، پرداخت خسارت ناشی از بازداشت منجر به بی‌گناهی فرد را مقرر نمود، مراد از فرد بی‌گناه کسی است که هیچ یک از مراحل عمل مجرمانه، نه مباشرتاً و نه به معاونت و تسبیب، نقشی نداشته است که در صورت بازداشت مستحق مطالبه جبران خسارت و خسارت زدایی می‌باشد، و علاوه بر آن در فرآیند درگیر شدن خود در دادرسی کیفری، نیز نقش و دخالتی نداشته است، در غیر این صورت براساس قاعده اقدام مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

در سیاست جنایی حاکم بر نظام حقوق کیفری ایران مطابق ماده ۲۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت این بازداشت را از دولت مطالبه کنند.» این رویکرد اخلاقی حقوقی به موجب نوآوری‌های اساسی در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حاکم گردیده، سبب شد تا محاکم قضایی به سوی توسعه قراردادهای تأمین کیفری خفیف‌تر سوق داده شوند ولیکن هنوز شاهد بازداشت‌های زیادی در محاکم هستیم که بر خلاف حقوق انسانی می‌باشد. البته بازداشت شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آن‌ها منتهی به صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب باشد و این حکم یا قرار قطعی شده باشد (خالقی، ۱۳۹۲: ص ۲۳۱).

فرض براءت یکی از اصول مهم در حوزه رسیدگی‌های کیفری با اتکا به اصول قانون اساسی و قواعد فقهی می‌باشد. تکلیف مقام تعقیب و مقام قضا بر بی‌گناه فرض نمودن متهم قبل از اثبات قطعی اتهام مربوطه است بنابراین فرض براءت از اصول بنیادین و مهم در زمینه دادرسی و حقوق متهمین در فرآیند تعقیب و محاکمه می‌باشد. (قاری، ۱۳۸۹: ص ۳۶).

در قانون آئین دادرسی سابق ابهامات فراوانی در خصوص رعایت این اصل بالاخص از حیث بازداشت متهمین (که قانون واژه مجرم را به کار برده بود) و جبران خسارت وجود داشت به طوری که مغایرت آن با اصل سی و نهم قانون اساسی در واژه‌های قانون سابق مشهود بود. با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ این ابهامات و اشکالات تا حدی مرتفع گردیده و در رویکرد قانون مذکور تأمین عدالت و وظیفه دولت است و دولت باید وظیفه‌اش را به درستی و بدون اشتباه انجام دهد. در نتیجه هرگاه بر اثر اشتباه دستگاه عدالت کیفری ضرر و زیانی به افراد وارد گردد دستگاه مربوطه موظف به جبران خسارت است مگر آنکه اثبات گردد اشتباه مذکور قابلیت استناد به مظنون یا متهم است. بدین ترتیب می‌توان گفت اصل لزوم جبران خسارت در قبال اشتباهات عدالت کیفری (چه در دستگیری افراد) یکی از اصول حقوق کیفری است (علامه، ۱۳۸۹: ص ۱۱۸).

اصول اخلاقی بی‌تفاوتی نسبت به ظلم و عدم کمک به مظلوم را برنتافته و بازداشت فرد بی‌گناه به مثابه ظلمی آشکار قلمداد می‌نماید و براساس اصل اخلاقی لزوم رفع ظلم، هرگونه بی‌توجهی را مذموم می‌شمارد، چرا که

آموزه‌های دینی بالاخص آیات قرآنی مانند آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء^۱ و آیه ۴۱ سوره شوری^۲ و آیات ۲۳۱، ۲۳۳ و ۲۸۲^۳ سوره مبارکه بقره بر آن تأکید نموده و اصول فقهی با اتکا به قاعده لاضرر و ضمان در کنار مبانی حقوقی عدالت، نظریه فراداد اجتماعی (مصلحت عمومی) بر حفظ کرامت انسانی که بازداشت فرد بی-گناه، نقض کننده آن است تأکید دارد و این مبانی در کنار قوانین بین‌المللی حقوق بشر منجر به ایجاد مسئولیت دولت در پرداخت خسارت به زندانی بی‌گناه در نظام حقوقی ایران گردیده است.

حال سوال اساسی این است که مرجع رسیدگی به خسارت زندانی بی‌گناه کدام است و نحوه مطالبه جبران خسارت و روش‌های تعیین خسارت زندانی بی‌گناه به چه صورت است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مرجع رسیدگی در نظام حقوقی ایران بررسی و در ادامه شیوه مطالبه و نحوه محاسبه خسارت تبیین و تحلیل می‌گردد.

مرجع رسیدگی

مراجع رسیدگی به جبران خسارت زندانی بی‌گناه، قبل از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صرفاً محاکم قضایی بوده است. و بر مبنای اصل ۱۷۱ قانون اساسی در صورت تقصیر، خود فرد مسئول بوده و باید جبران می‌نمود که با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تغییری اساسی ایجاد شد و منحصرأ دولت مسئول پرداخت خسارت، (چه ناشی از تقصیر و یا اشتباه) گردید. در راستای این امتیاز که قانونگذار برای شخص زیان دیده لحاظ نموده، و حمایتی است از اقتدار قضات و تأکیدی بر جبران خسارت از زندانی بی‌گناه در قانون اساسی، که اولویت مکانسیم مطالبه جبران خسارت از طریق کمیسیون (استانی و ملی) فراهم نموده، و این ساختار و نحوه دعوی جبران خسارت در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از قوانین کشور فرانسه اقتباس شده است. (شایگان، ۱۳۹۷، ص ۵۰).

در نظام حقوقی دنیا علاوه بر این مراجع یعنی کمیسیون و دادگاه، مراجع اداری نیز وجود دارند که به درخواست‌های جبران خسارت رسیدگی می‌نمایند که در کشورهای نظام کامن‌لا، این موارد وجود دارد به هر حال مرجع رسیدگی به جبران خسارت به زندانی بی‌گناه در ایران کمیسیون و در صورت عدم طرح دعوی در کمیسیون، دادگاه نیز در شرایطی صلاحیت دارد.

کمیسیون جبران خسارت

مسلماً دادخواهی و شکایت افراد در جهت احقاق حقشان باید در مرجعی قانونی صورت پذیرد. در خصوص خسارات ناشی از بازداشت بی‌گناه آن، قانونگذار به موجب مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری، یک

۱ - وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أُهْلُهَا...

۲ - وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ

۳ -...وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ...

۴ -...لَا تَضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ...

۵ -... وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ...

مرجع بدوی و یک مرجع تجدیدنظر را پیش‌بینی کرده است و به فرد بازداشت شده شش‌ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی مبنی بر بی‌گناهی مهلت داده است که درخواست جبران خسارت خود را مطرح نماید. کمیسیون استانی مرجع نخستین رسیدگی به درخواست‌های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت می‌باشد. اطلاق عنوان «کمیسیون»، این نهاد قانونی را از شمول مراجع قضایی خارج نمی‌نماید (نهرینی، ۱۳۹۳: ص ۸۸) این کمیسیون به عنوان یک مرجع قضایی «اختصاصی» با «ماهیت مدنی» به درخواست‌های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت رسیدگی می‌کند. اختصاصی بودن کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت، صلاحیت مراجع یاد شده را به رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از بازداشت منحصر می‌نماید. صلاحیت کمیسیون منصرف به دعوی متهم بازداشت شده است و همان‌گونه که گفته شده است (خالقی، ۱۳۹۲: ص ۲۶۴)، رسیدگی به ادعای سایر افراد مانند شهود یا مطلعین را در بر نمی‌گیرد. به همین ترتیب، دولت (وزارت دادگستری) نمی‌تواند در جریان رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت، قاضی (و یا اشخاص دیگر مانند شهود) را به عنوان ثالث و مسئول اصلی به دادرسی جلب نماید. چون علاوه بر اینکه تشریفات خاصی به منظور اقامه دعوا علیه قاضی ضروری است، کمیسیون استانی پیش‌بینی شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری صرفاً به درخواست متهم بی‌گناه بازداشت شده رسیدگی می‌نماید و اعطای صلاحیت اضافی به این کمیسیون نیازمند تصریح قانونی است. وانگهی، هدف و فلسفه پیش‌بینی دعوی زیان‌دیده علیه دولت، جبران خسارت وی در کمترین زمان ممکن و با کمترین تشریفات بوده است. مجاز نمودن طرح دعوی طاری مغایر با هدف و فلسفه مزبور می‌باشد (شایگان - آشوری، ۱۳۹۷: ص ۴۷).

برای مطالبه خسارت از طریق کمیسیون، قانونگذار در ماده ۲۵۵ دو شرط را تعیین نموده است، اولین شرط، این است که فرد باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده باشد «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی، به هر علت بازداشت می‌شوند». در خصوص تفسیر واژه‌ی «به هر علت» دو نظر می‌تواند مطرح شود، براساس نظر اول این عبارت ناظر بر وصف مجرمانه است، بدین معنا که فارق از اتهام انتسابی، فرد در صورت حکم برائت و قرار منع تعقیب مستحق جبران خسارت خواهد شد. در مقابل عده‌ای از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که علاوه بر قرار بازداشت موقت، کسی که به موجب قرار کفالت و یا وثیقه منجر به بازداشت، از حق آزادی بی‌نصیب می‌گردد و در نهایت منجر به برائت و قرار منع تعقیب می‌گردد، می‌تواند بابت روزهای بازداشتی تقاضای جبران خسارت نماید.

دومین شرط که از متن ماده قانونی برداشت می‌شود ضرورت حکم برائت یا قرار منع تعقیب برای زندانی بی‌گناه است، در نگاه اول به نظر می‌رسد که به محض صدور حکم برائت و یا قرار منع تعقیب، حق جبران خسارت برای افراد بازداشت شده ایجاد می‌شود، با این حال مواد قانونی بعدی چنین برداشتی را تأیید نمی‌کند چرا که در ماده ۲۵۷ و در مقام بیان شرایط شکلی تقاضای جبران خسارت، قانونگذار کاملاً به حق و منطقی، حکم قطعی بی‌گناهی را لازم دانسته است و به صرف حکم بدوی برائت و یا قرار منع تعقیب غیرقطعی، افراد بازداشت شده را مستحق جبران نمی‌داند.

مطالبه‌ی خسارت موضوع ماده‌ی ۲۵۵ مستلزم رعایت شرایط مربوط به دعوی خصوصی منهای تقدیم دادخواست است. بنابراین به نظر نمی‌رسد بین جبران خسارت و قاعده حاکمیت امر مختوم جزایی تعارضی وجود داشته باشد (آشوری، ۱۳۹۵: ص ۳۳).

به طور کلی می‌توان گفت شکایتی که از طرف شاکی مطرح می‌شود می‌تواند یکی از چهار نتیجه را در برداشته باشد: حکم محکومیت؛ حکم برائت؛ قرار منع تعقیب و قرار یا حکم موقوفی تعقیب. مطابق با ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ ایجاد امکان جبران زیان ایام بازداشت در صورت صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب از محل صندوق مقرر در ماده ۲۶۰ قانون مذکور صورت می‌گیرد (سیدحاتمی، کریمیان، ۱۳۹۷).

مسئله ای که می‌تواند ایجاد شود این است که در موضوع محکومیت امر کاملاً روشن است و لیکن در صورت بازداشت شخص در جریان تحقیقات و سپس صدور قرار موقوفی تعقیب، به استناد ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری شخص بازداشت شده، می‌تواند درخواست زیان زمان بازداشت را داشته باشد؟ ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ك اشاره‌ای به قرار موقوفی تعقیب ننموده و لذا خسارت شخص بازداشت شده در این مورد، غیرقابل جبران اعلام و دلیل آن، عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب مجرمانه توسط متهم دانسته شده است (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۴).

البته پذیرش این نظر به صورت مطلق به‌ویژه با توجه به پیشینه موضوع و موارد مشمول قرار موقوفی تعقیب توأم با تردید می‌باشد، چرا که فلسفه اصل جبران خسارت از زندانی بی‌گناه، جبران خسارت از فرد بازداشت شده بی‌گناه است، اگر مواردی وجود داشته باشد که علی‌رغم آگاهی مقام قضایی به مرور زمان و... در موضوع جرم نسبت به بازداشت فرد اقدام نماید، آیا عدم جبران خسارت زمان بازداشت برخلاف اصل انصاف نمی‌باشد؟ بر این اساس می‌توان قرار منع تعقیب یا رأی برائت مذکور در ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ك وارد مورد اغلب تلقی و با بررسی موارد صدور قرار موقوفی تعقیب، مطالبه خسارت را در صورت مطابقت با هدف و فلسفه جبران خسارت ناشی از بازداشت، برای زیان دیده ممکن دانست که به نظر می‌رسد در انشای ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ك به موارد مذکور توجهی نشده است.

مطابق شیوه‌نامه ماده ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری، کمیسیون استانی، برای رسیدگی به درخواست جبران خسارت بازداشت‌شدگان در حوزه قضایی استان تشکیل می‌شود و در صورت ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد می‌باشد. (ماده ۲) کمیسیون استانی، متشکل از سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی‌البدل است و از بین قضات دادگاه تجدیدنظر استان تعیین می‌شوند. با سابقه‌ترین عضو به عنوان رئیس انتخاب خواهد شد. کمیسیون فوق دارای یک دفتر می‌باشد که متشکل از مدیر و به تعداد لازم کارمند به تعیین رئیس کل دادگستری استان خواهد بود. (ماده ۳) کمیسیون ملی، برای رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای کمیسیون استانی در دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود و در صورت نیاز با تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد خواهد بود. کمیسیون فوق دارای سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی‌البدل است و متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان به عنوان رئیس کمیسیون و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور خواهد بود. همچنین، کمیسیون مذکور دارای یک دفتر می‌باشد که متشکل از مدیر و به تعداد لازم کارمند به تأیید رئیس دیوان عالی کشور خواهد بود. (ماده ۴).

قضات کمیسیون ملی و کمیسیون استانی توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شوند. (ماده ۵). عضویت قضات در کمیسیون ملی و کمیسیون استانی حسب مورد منوط به ابقاء ابلاغ آنان در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان مربوط می‌باشد. همچنین، عضویت در کمیسیون‌های فوق مانع فعالیت آنان در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان به عنوان قاضی نخواهد بود. (ماده ۶).

قانونگذار در ماده ۲۵۷ رأی کمیسیون استانی جبران خسارت را فقط از جانب متقاضی جبران خسارت قابل اعتراض می‌داند. ولی تبصره‌ی ماده‌ی ۳۴۲ مقرر داشته است: «در دعای مربوط به مطالبه خسارات موضوع ماده (۲۶۰) این قانون و ماده (۳۰) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ و مواردی که دیه از بیت‌المال مطالبه می‌شود، دادگاه مؤظف است از دستگاه پرداخت‌کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت‌المال برای جلسه رسیدگی دعوت نماید. دستگاه مذکور حق تجدیدنظرخواهی از رای را دارد» بنابراین، نماینده‌ی دولت می‌تواند با حضور در جلسه از منافع عمومی دفاع کند. برای مثال، نماینده‌ی دولت می‌تواند اعلام کند که تقاضای جبران خسارت خارج از مهلت قانونی صورت گرفته و باید رد شود یا به یکی از جهات مذکور در ماده‌ی ۲۵۶ یا ۲۵۹ استناد کند و امکان مراجعه‌ی دولت به مسببین ورود زیان به خزانه‌ی عمومی را فراهم کند. نکته‌ای که در ارتباط با این تبصره باید به آن توجه نمود آن است که خسارت موضوع ماده‌ی ۲۵۵ از طرف کمیسیون مورد حکم قرار می‌گیرد و نه دادگاه؛ لذا استفاده از عبارت دادگاه در تبصره‌ی ماده‌ی ۳۴۲ در مورد خسارات موضوع ماده‌ی ۲۶۰ ناظر به ماده‌ی ۲۵۵ را باید حمل بر مسامحه نمود (یوسفیان، ۱۳۹۲: ص ۲۳۶).

حال سوالی که مطرح شود این است که آیا کمیسیون جبران خسارت رأساً به احراز مغرضانه بودن می‌پردازد یا باید شخص بازداشت شده ابتدا به مرجع کیفری مراجعه و مغرضانه بودن را اثبات و بر اساس رأی مرجع کیفری، کمیسیون حکم به جبران خسارت می‌دهد؟ به نظر می‌رسد باید پاسخ منفی داد چرا که کمیسیون جبران خسارت رأساً بدون توجه به مغرضانه بودن یا نبودن حکم به جبران خسارت صادر می‌کند چون اگر زیان دیده را ملزم به اثبات مغرضانه بودن بازداشت و نیز جبران خسارت را منوط به اثبات مغرضانه بودن توسط مراجع کیفری بدانیم در این صورت وی در پیچ و خم دادگستری گرفتار می‌شود و ممکن است به نتیجه‌ای نرسد و از طرف دیگر قانونگذار در ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک به‌طور مطلق حکم به جبران خسارت را پیش‌بینی کرده و در صورت مغرضانه بودن انتساب اتهام به متهم بازداشت شده به دولت حق داده به مسبب ورود زیان به خزانه (صندوق) مراجعه کند (رحمدل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴).

پرسش دیگری که ممکن است در این باره طرح شود این است که آیا ذی‌نفع می‌تواند دعوی خود را هم زمان علیه دولت و قاضی طرح کند و یا از اقامه دعوا علیه دولت صرف‌نظر کرده و دعوا را به طور مستقیم علیه قاضی اقامه نماید؟ در پاسخ به پرسش یادشده ممکن است گفته شود که مطالبه خسارت از دولت امتیازی است که قانون‌گذار به شخص بازداشت شده اعطا نموده و این امتیاز مانعی برای وی در مراجعه به مسئول اصلی خسارت ایجاد نمی‌کند. هر چند بتوان نظر پیش گفته را براساس قواعد و اصول کلی حقوق خصوصی توجیه نمود، اما با توجه به مبنا و فلسفه‌ی جانمایی مسئولیت دولت، در عدم پذیرش نظر مزبور نباید تردید نمود؛ زیرا افزون بر تفاوت در تشریفات و آیین اقامه دعوا علیه قاضی و دولت، جایگزینی مسئولیت دولت به جای مسئولیت قضات صرفاً امتیازی برای شهروندان تلقی نمی‌شود تا بتوانند از آن صرف‌نظر کنند، بلکه حمایت از حقوق و اقتدار قضات نیز یکی از مبانی آن بوده و از این حیث، در زمره حقوق عمومی محسوب می‌شود.

دادگاه عمومی

براساس نظام عمومی مسئولیت مدنی دادرسی، رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت پس از احراز تقصیر یا خطای قاضی در صلاحیت دادگاه عمومی تهران می‌باشد (ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب

۱۳۹۰) البته نکته قابل تأمل در خصوص اینکه آیا با وجود مرجع اختصاصی مندرج در ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، جایگاهی برای صلاحیت دادگاه عمومی به عنوان مرجع مطالبه خسارت می‌توان لحاظ نمود؟ در پاسخ به پرسش بیان شده باید گفت مطالبه خسارت از دولت از طریق کمیسیون، امتیازی است که قانونگذار به فرد بازداشت شده اعطا نموده و این امتیاز سلب کننده صلاحیت از دادگاه عمومی نمی‌تواند باشد چرا که اگر فرد بازداشت شده به هر دلیلی در موعد مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری نتواند درخواست خود را به کمیسیون ارائه نماید آیا باید خسارت وارده به وی بدون جبران باقی بماند به حکم عقل و اخلاق زیان رساندن به دیگران ممنوع و جبران آن واجب و ضروری است در آیات متعددی از قرآن کریم و لایمکوهن ضراراً (بقره ۲۳۱) و لا تضرر والده بولدها و لا مولودله بولده (بقره ۲۳۳) و لا یضارکاتب و لا شهید (بقره ۲۸۲) و همچنین حدیث لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام از پیامبر اکرم (ص)، اضرار اعم از مادی و معنوی مورد نهی جدی می‌باشد بنابراین فرد مقصر در برابر دیگری مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ص ۱۱۵).

به بیان دیگر اشتباه قاضی به طور کلی پیش از این قانون موجب مسئولیت مدنی می‌شده و در صورت اثبات خسارت قابل مطالبه بود، این ضابطه و قاعده را قانونگذار در قانون اساسی آورده است و به تواتر در متون دیگر نیز تکرار شده است و لذا با توجه به ماهیت دعوی، از آنجایی که در امور مدنی تا این زمان مرور زمان مسقط حق نداریم نتیجه این است که اینگونه خسارت همواره قابل مطالبه است، یعنی اگر اشتباه قاضی اثبات شود فرد مدعی خسارت می‌تواند با طرح دعوی در دادگاه‌های حقوقی، خسارت خود را مطالبه نماید چرا که دادگستری مرجع عام تظلمات است و نمی‌توان قائل به این شد که حق او به علت گذشت ۶ ماه و یا به علت عطف به ماسبق نشدن قانون ساقط شده است، بلکه مستند او در این حالت قانون اساسی است.

به هر حال پذیرش مسئولیت دولت نسبت به تقصیر دادرسی نمی‌تواند صلاحیت عام محاکم مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی که در مقام بیان اصول و قواعد کلی بوده را مغایرت قانون عادی با اصل قانون اساسی تلقی نمود لذا در صورت عدم درخواست در کمیسیون و با وجود اشتباه قاضی با توجه به اصل یکصد و هفتاد و یک قانون اساسی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و دیگر اصول و موازین حقوقی پس از احراز تقصیر و یا اشتباه قاضی توسط دادگاه قضات، نقش دادگاه‌های عمومی جلوه گر می‌شود.

برابر اصل ۱۷۱ چنانچه در اثر تقصیر قاضی در موضوع یا حکم یا تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی به کسی وارد شود برابر موازین اسلامی نامبرده ضامن جبران خسارت وارده می‌باشد و در صورتی که اشتباه یا قصور وی در موضوع یا حکم یا تطبیق حکم مورد خاص موجب خسارت به دیگری شود مسئولیتی بر عهده وی نبوده و دولت مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد. «در این اصل قانونگذار برای اولین بار در حقوق ایران صراحتاً برای قضات در مواردی که مرتکب تقصیر شده باشند، در برابر اشخاص زیان دیده مسئولیت مدنی پیش‌بینی نموده ریشه این اصل را باید در نظرات فقها و قاعده لاضرر یافت. در صورت اشتباه قاضی، نظر به اینکه وی قصد و نیت ایراد خسارت به غیر را نداشته، عدم مسئولیت وی امری منطقی به نظر می‌رسد. اما به هر حال، چون در اقدام قضایی راه خطا پیموده شده و دیگری خسارت دیده باشد، حق این است که جبران خسارت به هر نحو به عمل آید. فلذا چون دستگاه حاکمیت (قوه قضائیه) مسئولیت نهایی امر قضا را بر عهده دارد، ضمان متوجه آن دستگاه می‌شود. شناسایی تقصیر قضایی حکایت از اهمیت موضوع در

نظر قانونگذار دارد و سایر قوانین در پرتو این اصل باید تنظیم و تدوین و یا تفسیر شود، هر چند که این اصل نیز به نحو کامل گویا نیست (سربخش، سلطانی نژاد، ۱۳۹۲ ص ۱۵۰).

مطالبه خسارت از جانب زیان‌دیده، تابع اصولی کلی است و پذیرش دعوی، مستلزم اثبات ورود و توجه زیان مادی یا معنوی است و لذا وظیفه مهم دادگاه‌های عمومی، پس از احراز تقصیر قضایی و سرانجام صدور حکم به جبران خسارت است زیرا دادگاه انتظامی قضات حکم به جبران خسارت نخواهد داد بلکه تنها دادرسان خاطی را به مجازات‌های انتظامی محکوم می‌کند این مسئله همانند موردی است که زیان در نتیجه خطای اداری کارمندی صورت گرفته باشد که زیان دیده ناچار است نخست برای اثبات خطای او به دیوان عدالت اداری شکایت برد و پس از احراز خطای کارمند توسط دیوان مزبور، برای تعیین میزان خسارت و چگونگی جبران آن دعوی خویش را نزد دادگاه عمومی ادامه دهد.

اگرچه اصل پذیرش مسئولیت برای دولت در نتیجه افعال زیان‌بار دیگران که از نوع مسئولیت‌های غیرمستقیم است، موجب تسهیل جبران خسارت زیان دیده و حمایت از او در برابر تشکیل عظیم و پر قدرت دولت است اما ترتیبی که برای رسیدگی به دعوی زیان دیده مقرر گشته با هدف نهایی این مسئولیت در تعارض است. اطاله دادرسی و سرگردانی زیان دیده میان مراجع مختلف ناگزیر او را از اقامه دعوی منصرف خواهد کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ص ۱۴۱).

به هر حال، مسئولیت دولت به علت اشتباه قاضی از مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر است و در چنین مواردی اثبات خطای دولت لازم نیست، بلکه خواهان باید ثابت کند که بین فعل یا اشتباه قاضی که مسئولیت اشتباهش به عهده خوانده (دولت) است و ورود خسارت، رابطه علیت وجود دارد، تصمیماتی که منجر پرداخت خسارت می‌گردد نیز از جهت مقامات صلاحیت‌داری که تصمیمات مذکور را اتخاذ می‌کنند شامل کلیه شاغلین مناصب قضایی و دادگاه‌ها و دادسرا و از حیث نوع تصمیمات متخذه نیز شامل کلیه تصمیمات و اقداماتی است که از سوی مقامات دادسرا یا دادگاه به اعتبار سمت قضایی آنان، علیه جان، مال یا آزادی اشخاص اتخاذ و اشتباهات موجب توجه خسارتی مادی یا معنوی به آنان می‌گردد (جلیلونند، ۱۳۷۳: ص ۱۳۷). پرسش مهم و دیگر این است که مفهوم «تقصیر» دقیقاً چه مصادیق و مواردی را در بر می‌گیرد؟ در این خصوص، طبق نظر برخی از حقوقدانان، تفاوت عمده تقصیر و اشتباه قاضی در عنصر قصد و نیت است. در تقصیر، همراه با عمد تخطی می‌باشد؛ در حالی که در اشتباه، عوامل دیگری غیر از تعدد شخص مطرح است. (نجفی اسفاد، محسنی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۰) در برابر، سایر حقوقدانان، بی‌احتیاطی و یا دست کم بی‌احتیاطی فاحش قضات را در حکم عمد دانسته‌اند. در این مورد مستند به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که کارمندان دولت، شهرداری و مؤسسات وابسته به آن‌ها را در صورت ایراد خسارت به اشخاص (که به مناسبت انجام وظیفه دادن، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی وارد شده باشد) شخصاً مسئول می‌داند، چنین اظهار نظر شده است: کسانی که رابطه حقوقی آنان با دولت تابع قانون استخدام کشوری یا مشمول سایر مقررات استخدامی است، از جمله قضات؛ در اجرای ماده مرقوم، با اثبات عمد یا بی‌احتیاطی شخصاً در برابر زیان دیده مسئول هستند. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۵۶۴) در واقع، ملاک و ضابطه سنجش تقصیر قضایی، شیوه رفتار قاضی متعارف است که عدول از آن، خطای حرفه‌ای نامیده شده است. از همین رو، محدود به عمد در اضرار تقصیر نبوده، بلکه بی‌مبالاتی‌های نابخشودنی و بی‌اعتنایی به قوانین و حتی عرف و رسوم قضایی را باید بر قلمرو تقصیر افزود. برای نمونه، تصمیم ناروای قاضی که بدون مراجعه به کتاب‌ها و رویه‌های حقوقی و قضایی و بدون مطالعه و

دقت و مشورت‌های لازم گرفته می‌شود، تقصیر محسوب گردیده و در حکم عمد می‌باشد. زمانی که قاضی در راه رسیدن به واقع کوشش کافی نکند، مقصر محسوب می‌شود؛ هر چند عامد نباشد. همچنین با استناد به نظرات فقها، تخطی قاضی از واجبات امر قضا، به رغم عدم سوءنیت، تقصیر تلقی شده است؛ مانند به قضاوت نشستن در حال عصبانیت. لذا ضمان قاضی، هم اعمال عمدی و هم خطاهای شبه عمد وی را در بر می‌گیرد؛ هر چند مقصودی پلید و نامشروع نداشته باشد. (غمامی، ۱۳۷۶، ص ۳۶) اما ظاهراً تقصیرات قابل مسامحه قاضی از دایره مسئولیت وی خارج هستند. به عبارت دیگر، اگر قاضی مرتکب تقصیر نشود و بدون تقصیر اشتباه کند و این اشتباه از روی عمد، نیرنگ، تقلب، ضعف دانش قضایی و ناآگاهی بر ضروریات امر قضا نباشد، بلکه حاصل ترکیبی از عوامل اداری و شخصی باشد؛ دولت به عنوان سبب قوی‌تر مسئول خواهد بود. (قاسم زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۹۳).

بنابراین وقتی شکایتی علیه قاضی مطرح می‌گردد و یا اتهامی به او نسبت داده می‌شود مرجع رسیدگی به او باید پیرامون صحت و سقم شکایت یا اتهام تحقیقات لازم را معمول نماید چنانچه دلایل و قرائن کافی بر توجه اتهام و در حدی باشد که ضرورت تحقیق از قاضی را به عنوان متهم ایجاب کند، مرجع رسیدگی باید تقاضای تعلیق را به دادسرای انتظامی قضات ارسال تا دادسرا با بررسی دلایل و قرائن اتهام از دادگاه عالی انتظامی تعلیق قاضی را از شغل قضا درخواست کند. چنانچه دادگاه عالی رأی به تعلیق قاضی داد با صدور این رای وصف قضا زایل شده و همچون افراد عادی امکان تعقیب او فراهم می‌گردد و تا زمانی که از قاضی سلب مصونیت قضایی نشده است دادگاه‌های صالح به این امر حق تعقیب و بازداشت قاضی شاغل را ندارند و است بنابراین، مصونیت قضایی مانع از آن است که قضات را بتوان به سهولت و آسانی تحت پیگرد قرار داد. البته، چنانچه مرجع رسیدگی به شکایت استماع توضیحات قاضی مشتکی عنه را قبل از تعلیق او ضروری بداند می‌توان با نامه محرمانه شرح ماوقع را از او استعلام و یا به وی اعلام نماید که در صورت تمایل به عنوان مطلع جهت ادای توضیح حاضر شود و یا این که اطلاعات خود را به‌طور مکتوب ارسال نماید و اما تا زمانی که دادگاه عالی انتظامی رای به تعلیق قاضی نداده است به هیچ وجه اخذ توضیح از قاضی مشتکی عنه به عنوان متهم جایز نمی‌باشد و چنانچه دادگاهی قبل از تعلیق قاضی مشتکی عنه او را مورد تعقیب قرار دهد مرتکب تخلف فاحشی گردیده است که ممکن است مجازات تا سر حد انفصال برای او به همراه داشته باشد. لازم به ذکر است، به دلالت نظریه ۵۱۵۳/۷، ۱۳۶۷/۱۱/۰۷ اداره حقوقی قوه قضائیه منظور از کارمندان قضایی در ماده ۴۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری قضات شاغل هستند و این عبارت شامل کارآموزان قضایی نمی‌شود.

در این مورد باید به حکم ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ نیز مراجعه کرد که مقرر داشته رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یک صد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است. بنابراین به نظر می‌رسد دولت برای مطالبه خسارت از قاضی مقصر باید تشریفات موضوع این ماده را طی نماید که برای دولت از حیث طرح دعاوی علیه قضات بسیار هزینه بر خواهد بود.

نحوه محاسبه خسارت

در کشور ما، طبق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک زمانی امکان مطالبه خسارت ایام بازداشت وجود دارد که، صرفاً حکم قطعی برائت یا قرار منع تعقیب صادر شده باشد و در مورد سایر قرارها مانند ترک تعقیب، بایگانی پرونده، تعلیق تعقیب، موقوفی تعقیب و تعویق صدور حکم، خسارت ایام بازداشت قابل مطالبه نیست.

قانونگذار خسارت را تعریف نکرده و لیکن کلمه خسارت که از لغات زبان عربی به معنی زیان کردن، سوء حال و نقص شیء دانسته شده است. در برخی منابع دیگر، خسار، ضرر (وزن فعل) به معنای بدحالی و فقدان علم، عفت یا در بدن مانند نقص عضو یا در حال مانند کمی مال و جاه است که پیوسته مقابل نفع بکار رفته است. (راغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۳) در زبان فارسی نیز کلمه خسارت نیز، به فتح خا و راء در زبان فارسی مترادف واژه‌های زیان و ضرر و به معنای ضرر کردن، زیان بردن، زیانکاری، زیان‌مندی ضرر است (معین، ۱۳۷۵، ص ۱۴۱۹) که از لحاظ حقوقی، دارای دو معنا است؛ او مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود. ثانیه، زیان وارد شده را هم خسارت گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰).

از منظر فقه اسلامی نیز، علیرغم مخالفت‌های بسیاری که از جانب بعضی از فقها با اصل جبران کامل و توسعه دامنه خسارات قابل جبران در زمینه‌های مختلف خسارت مالی و نتایج خسارت دیگر شده است، مطالعه آرای فقهی به خصوص در بحث از قاعده «لاضرر» و گاه قاعده «تسبیب» نشان می‌دهد که قبول اصل لزوم جبران کلی خسارات، منافاتی با اصول فقهی و شرعی نداشته، بلکه نظر برخی از فقهای امامیه بر همین امر استوار است، بنابراین به صراحت می‌تواند گفت که قبول اصلی به عنوان لزوم جبران کلیه خسارات و گسترش دامنه ضررهای قابل جبران، مخالفتی با شرع مقدس اسلام ندارد (بابایی، ۱۳۸۴، ص ۴۸) لذا به نظر می‌رسد خسارت مفهومی موسّع دارد و در نظام حقوقی ایران خسارت قابل مطالبه اعم از خسارت مادی، معنوی و یا منافع ممکن الوصول می‌باشد.

نحوه محاسبه خسارات مادی

در تعریف خسارت مادی، تعاریف متفاوت می‌باشد ولی در ریشه همه آن‌ها حکم واحدی دیده می‌شود که نشان‌دهنده وحدت و همگونی این موضوع حقوقی در بین حقوقدانان می‌باشد (مهمان نواز، ۱۳۸۸: ص ۴۹) و تعریف برگرفته از قانون آیین دادرسی مدنی سابق زیان وارده به مال و دارایی شخص می‌باشد که بعضاً آن را خسارت مالی می‌نامند و در تعریف دیگر خسارت مادی عبارت است از تلف کلی یا جزئی مال یا فوت منفعت است (صفایی، ۱۳۵۰: ص ۵۴۹) که این نوع خسارت به پول قابل تقویم و تبدیل می‌باشد که موضوع خسارت مادی به ۱- از بین رفتن مال ۲- از بین رفتن منفعت ۳- از بین رفتن حق تقسیم‌بندی شده است اینکه نحوه محاسبه خسارت در هر یک از موضوعات مورد اشاره در خصوص زندانی بی‌گناه به چه نحوی است سئوالی است که در بحث محاسبه جبران خسارت باید مورد توجه قرار گرفت. رویکرد قانونگذار ما در خصوص ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشخص نبوده و معیاری در خصوص محاسبه خسارت مادی ارائه نشده است و کاملاً موضوع مبهم می‌باشد چرا که صرفاً به بیان رعایت ماده ۱۴ قانون آیین

دادرسی کیفری اشاره شده است، این در حالی است که رویه قضایی یکسان و ثابت و تعیین معیار دقیق ارزشیابی در خصوص خسارت مادی امکان پذیر می باشد.

به هر حال در حقوق ایران قانونگذار معیار مشخصی را وضع نکرده است. اما در صورتی که متهم بی گناه به هنگام طرح تقاضای مطالبه‌ی خسارت، تلف اموال خود را مستند به بازداشت خود بداند، با توجه به قوانین عام مسئولیت مدنی و با انجام کارشناسی، این گونه خسارت‌ها با ارزیابی و بر آورد خسارت با پول، قابل جبران خواهد بود.

دولت مکلف خواهد بود به صورت کلی خسارت وارد را جبران نماید، اما در صورتی که فرد بازداشت شده کارگر و شاغل در یکی از شرکت‌های خصوصی و دولتی باشد، چگونگی جبران خسارت چندان با مشکل مواجه نخواهد بود. در این صورت دولت با پرداخت حقوق ماهانه‌ی کارگر و کارمند با حفظ سابقه خدمت، خسارت‌زدایی می کند (خواریان چمن آبادی، ۱۳۹۳: ص ۲۲۴). با توجه به اینکه موضوع خسارت مادی قابلیت تقویم به پول را دارد همچنین نظر به تخصصی بودن بر آورد میزان خسارت، این موضوع نیز حسب قواعد کلی باید بر عهده کارشناس بوده و به تبع این موضوع، نحوه ارجاع، اعلام نظر خسارت وارده منطبق بر قواعد کلی کارشناسی در قانون آئین دادرسی کیفری می باشد و براساس ارزیابی کارشناسی می توان خسارت را در هر یک از موضوعات مورد اشاره محاسبه نمود و در راستای ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مطالبه نمود.

نحوه محاسبه خسارت معنوی

به جرأت می توان گفت که مفهوم خسارت معنوی در بین حقوقدانان و فقها یکی از موضوعات اختلافی است چرا که هیچ دامنه مشخصی ندارد و هر کس با توجه به نظر خود تئوری خاصی را ارائه می دهد (مهمان نواز، ۱۳۹۳: ص ۵۶). و به همین دلیل است که در حقوق ما این موضوع بسیار مهم به درستی مورد لحاظ در قانون قرار نگرفته و در هر برهه از زمان قانونگذار بخشی از آن را مد نظر قرار داده است همان گونه که مورد اشاره قرار گرفت حقوقدانان تعریف یکسانی از خسارت معنوی ارائه ننموده‌اند دکتر سید حسن امامی این گونه تعریف خسارت معنوی را عنوان می دارد: عبارت است از صدمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخصی است که در اثر عمل بدون مجوز قانونی دیگری ایجاد شده است و همچنین ضرر معنوی یعنی خسارت وارده بر متعلقات غیر مالی انسانی نظیر روان، آبرو و جسم (مهمان نواز، ۱۳۹۳: ص ۵۶).

اما با توجه به ماهیت خسارت معنوی، اصولاً بایستی رعایت اصلی به نام اصل «فردی سازی خسارت زدایی» در تعیین معیارهای ارزشیابی خسارت و خسارت زدایی و زندانی بی گناه، خصوصاً در قلمرو خسارت معنوی مورد لحاظ قرار داد، امری که با توجه به آنچه که در قانون آئین دادرسی کیفری ذکر شده، مبهم و آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است، چرا که انسان‌ها از حیث خصوصیات رفتاری، شخصیتی، احساسات و شأن و منزلت اجتماعی با یکدیگر متفاوت می باشند.

با عنایت به اصل قابلیت جبران کلیه خسارات که یکی از قواعد متعدد ضمان می باشد و همچنین قاعده احترام به حقوق مسلم و قاعده لاضرر در هر حالتی که خسارتی به بار می آید جهت اثبات ضمان عامل زیان می تواند به کار آید (سلطانی نژاد، ۱۳۹۲: ص ۳۸). در مورد خسارت‌های معنوی که ضرورت ترمیم و رفع آن پیرو تأکید ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری که به ماده ۱۴ قانون مذکور ارجاع داده شده است بر خلاف خسارت مادی وضعیت تا حدودی متفاوت است زیرا صدمات و لطمات وارده به روح، حیثیت و اعتبار

شخصی و خانوادگی یا اجتماعی شخص ارزیابی و برآورد آن چندان سهل و آسان نیست به همین دلیل قانونگذار در تبصره ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، صدور حکم به پرداخت خسارت مالی و الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید را به عنوان عادی‌ترین شکل خسارت معنوی بیان نموده است.

توضیح این نکته الزام است که، اگر انتشار حکم از طریق درج در جراید به حکم قانون و بدون تقاضای مدعی به عمل آید، در این صورت عمل انتشار حکم جنبه‌ی ترمیمی نداشته و نوعی مجازات است ولی اگر برحسب تقاضای مدعی خصوصی برای جبران زیان معنوی ناشی از لطمه به حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی صورت پذیرد، شکل جبران زیان را خواهد داشت. بنابراین نمونه‌ای از اهداف ترضیه خاطر و جبران خسارت معنوی زیان دیده از طریق درج حکم در جراید است. اما شکل دیگر ترمیم خسارت معنوی پرداخت مبلغی به معنی‌علیه است این نوع ترمیم به ترمیم سمبولیک خسارت معنوی شهرت دارد. معمولاً پرداخت مبلغی پول به زیان دیده عادی‌ترین شکل جبران خسارت معنوی است. در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران، روش‌های دیگری برای ترمیم این نوع ضرر و زیان پیش‌بینی شده است.^۱

به هر حال نزدیکی اخلاق و حقوق مظاهر خود را در مواد قوانین موضوعه در هر جامعه بروز می‌دهد و قانونی که بر اعاده حیثیت اشخاص نظر دارد، توجه مخصوص به جانب حفظ اصل شرافت اخلاقی است و همواره مایل است لکه‌های چرکین و ناسزا را محو نماید تا انسان شریف در مقابل نوع خود سرافکنده نباشد، مطابق با اصل ۱۷۱ قانون اساسی و با توجه به موازین حقوق بشری، صرفاً به خاطر اتهام نظر افکار عمومی در مورد شخص تغییر می‌کند و شخصیت و کرامت شخص در معرض آسیب قرار می‌گیرد و از این طریق حیثیت او لطمه می‌بیند که باید مورد اعاده حیثیت قرار گیرد.

پرداخت خسارت به زندانی بی‌گناه و جایگاه فرآیند عملی آن در نظام حقوقی ایران یک قاعده اصولی و عامه پسند در دستگاه قضایی بوده و از آن به عنوان عملی نیک در جهت بازگرداندن، یا جبران خسارات از دست رفته از زیان دیده تعبیر می‌شود. نظام حقوقی ایران ریشه در نظام حقوقی اسلامی دارد رعایت حال زیان دیده و خسارت دیده از اصول و قواعد مورد پسند انبیاء الهی بوده و عدالت در سر لوحه قضاوت حرف اول را می‌زند. پس از پیروزی انقلاب شکوه مند اسلامی و با تغییر برخی از قوانین حقوقی کشور در دوره‌های معاصر، پرداخت خسارت به فرد زیان دیده به تدریج در طی دوره‌های مختلفی دارای تغییرات و نوساناتی بوده است تا این که ابعاد و حدود قانونی این مسئله در قوانین جدید ایران مانند، ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲، بند ب ماده ۱۰ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲، و ماده ۱۳ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ به تعابیر مختلفی رویکردهایی را در مفهوم پرداخت خسارت ارائه داده اند. در نظام حقوقی ایران این قاعده مورد قبول است و در مفاد قانونی و در مرحله دادرسی نیز نه به صورت کامل اما قابل اجرا است. بنابراین در رویکرد ماهیتی این قاعده مورد پذیرش است و مراجع قضایی در حالت کلی آن را قبول داشته و نیز افکار عمومی در جامعه به دلیل حفظ منافع و آبروی خواننده و خواهان در این مسئله و همچنین مطابقت این اصل با نظام حقوقی اسلامی و قوانین الهی، از آن به

۱ - ماده ۱۰ «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی معنوی خود را بخواهد هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

عنوان عمل نیک یاد می شود، در حقوق ایران با پذیرش اصل جبران خسارت حتی بخت از دست رفته نامزد وی را ارزیابی کرده و قابل مطالبه دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۹۳).

آیین دادرسی جبران خسارت

خواهان که مطابق با نظر نویسندگان آیین نامه شیوه رسیدگی و آرای کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت عنوان متقاضی بر آن‌ها نهاده شده است زیرا نیاز به ارائه دادخواست به مفهومی که در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی نیست و همچنین چون طرف تقاضا خوانده نیست، بلکه دولت است لذا ضرورتی در اثبات خطا یا تقصیر قاضی نمی‌باشد. چرا که ماهیت مدنی درخواست به طور صریح در مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری و نیز آیین نامه مربوطه اشاره نشده ولیکن پیشینه خواسته و افزون بر آن اصل حاکمیت اصحاب دعوا بر موضوع دعوی (پورااستاد، ۱۳۸۷: ص ۹۷). و تبصره یک ماده ۱۷ آیین نامه مربوطه تردیدی در ماهیت مدنی دعوی باقی نمی‌گذارد که مطابق با آنچه بیان شد کمیسیون استانی و ملی در چارچوب درخواست متقاضی رسیدگی می‌نماید.

شرایط و نحوه ارائه دادخواست

بر اساس مقررات متقاضی جبران خسارت باید ارائه درخواست نماید و بدون ارائه درخواست رسیدگی در کمیسیون متصور نمی‌باشد، اگر چه آیین نامه مربوطه در ماده ۸ ویژگی‌های درخواست جبران خسارت را مشخص و ضوابط آن را تبیین نموده است ولیکن در صورتی که در آیین نامه ابهام باشد می‌توان بر اساس اصول و قواعد دادرسی مدنی با توجه به ماهیت خواسته عمل نمود، به هر حال متقاضی افزون بر قید مشخصات خود، آراء مثبت درخواست خود را از جمله تصویر مصدق قرار منع تعقیب و یا رای برائت را در مهلت مقرر قانونی یعنی شش ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی که حاکی از بی‌گناهی وی می‌باشد به کمیسیون استانی تقدیم نماید.

البته بر این جمله، مرور زمان قید شده که بعد از آن زمان فرد را از ارائه درخواست محروم می‌سازد ایرادی جدی از حیث مبانی حقوقی و شرعی این موضوع در امور مدنی وارد می‌نماید زیرا موضوع درخواست یعنی جبران خسارت از حیث ماهیت مدنی می‌باشد بعلاوه مورد بیان شده، ضمانت اجرای درخواست تقدیمی خارج از مهلت در آیین نامه معین نشده است. این مهلت به نظر می‌رسد. صرفاً برای طرح درخواست در کمیسیون می‌باشد و منافاتی با مطالبه حق از مسیر دادرسی دیگر ندارد چرا که مطالبه خسارت مشمول مرور زمان نمی‌شود.

۲-۴ رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون استانی

آیین‌نامه شیوه رسیدگی و آرای کمیسیون‌های استانی و شرایط و شیوه رسیدگی به درخواست جبران خسارت را به‌اجمال مشخص نموده است. برخلاف نظام عمومی مسئولیت مدنی دادرسی، رسیدگی کمیسیون استانی به درخواست جبران خسارت منوط به اظهار نظر قبلی دادگاه انتظامی قضات نمی‌باشد. در عین حال، با توجه به ماهیت مدنی دعوا و مرجع رسیدگی‌کننده، نسبت به مواردی که در آیین‌نامه سکوت اختیار شده است، براساس اصول و قواعد دادرسی مدنی و مقررات قانون آیین دادرسی عمل می‌شود. در هر حال، خواهان باید در درخواست خود، افزون بر مشخصات خویش، به شعبه بازداشت‌کننده و شعبه صادرکننده قرار منع تعقیب یا رأی براثت قطعی، مدت بازداشت، میزان و نوع خسارات وارده اشاره و مدارک مثبت خواسته (از جمله تصویر مصدق قرار منع تعقیب یا رأی براثت) را نیز پیوست نماید (ماده ۸ آیین‌نامه). در صورت عدم رعایت شرایط پیش‌گفته، مدیر دفتر کمیسیون استانی ظرف مدت دو روز مراتب را جهت رفع نقایص مربوطه با اعلام مهلت ده روز به متقاضی اطلاع می‌دهد (ماده ۱۳ آیین‌نامه). ضمانت اجرای عدم رفع نقایص در آیین‌نامه تعیین نشده و به بیان عبارت «اتخاذ تصمیم» توسط رئیس کمیسیون اکتفا شده است. با این همه، به نظر می‌رسد، تصمیم کمیسیون مطابق ملاک ماده ۵۳ به بعد ق.آ.د.م اتخاذ خواهد شد.

کمیسیون رأساً یا به درخواست خواهان، می‌تواند در صورت لزوم، اسناد یا اطلاعات مرتبط و مؤثر در دادرسی و نیز پرونده کیفری را از مرجع کیفری مربوط یا سایر مراجع و مؤسسات جهت مطالعه مطالبه نماید (ماده ۲۰ آیین‌نامه و تبصره ۲ ذیل آن و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی). ذینفع در صورت امکان، میزان خسارات مادی و معنوی مورد مطالبه را تعیین و مدارک آن را به ضمیمه درخواست تقدیم می‌نماید. مدارک و ادله مثبت خسارات مورد مطالبه می‌تواند سند رسمی یا عادی، شهادت شهود و تقاضای کارشناسی باشد. جلسه یا جلسات رسیدگی که در صورت نیاز تشکیل می‌گردد (ماده ۱۲ آیین‌نامه) جز در موارد استثنایی، به صورت علنی برگزار می‌شود (اصل ۱۶۵ قانون اساسی). رأی کمیسیون باید مستدل و مستند بوده و در صورت وارد بودن خواسته متقاضی، مشتمل بر میزان خسارت (ماده ۱۷ آیین‌نامه و ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی) یا شیوه‌های جبران خسارت (ملاک تبصره دو ماده ۱۷ آیین‌نامه) باشد. در رأی صادرشده علی‌الاصول به حضوری و غیابی بودن رأی، قابلیت اعتراض به رأی و مرجع و مهلت اعتراض نیز اشاره می‌شود.

بعد از ارائه درخواست به کمیسیون در مهلت مقرر و ب رعایت شرایط مقرر در ماده ۸ آیین‌نامه، کمیسیون ذی ربط به نوبت به پرونده‌های مطروحه رسیدگی و در صورت نیاز با تعیین وقت، دعوت از متقاضی و نماینده صندوق را صادر می‌نماید. کمیسیون ابتدا به بررسی انطباق یا عدم انطباق شرایط متقاضی جبران خسارت با ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نموده و چنانچه موضوع را منطبق با شرایط بیابد اقدام به صدور رأی پرداخت خسارت از محل صندوق مورد نظر می‌نماید در غیر این صورت قرار رد درخواست را صادر که قابلیت اعتراض در کمیسیون ملی در ظرف بیست روز را دارد.

رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون ملی

رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون ملی جبران خسارت همانند شیوه رسیدگی و صدور رأی در مرحله نخستین (کمیسیون استانی) است. آنچه مسلم است این که اصل تقابل و حق دفاع ایجاب می‌نماید که اعتراض تجدیدنظرخواه به رأی کمیسیون استانی به طرف مقابل ابلاغ شود تا شخص اخیر بتواند دفاعیات خود را

تدارک نماید. در اینجا مناسب است به این نکته اشاره شود که هر چند اعضای کمیسیون ملی جبران خسارت از قضات دیوان عالی کشور می‌باشند و این کمیسیون، علی‌الاصول در دیوان عالی کشور تشکیل می‌گردد، با این وصف نمی‌توان آن را مرجع فرجام‌خواهی از آراء کمیسیون استانی تلقی نمود. به دیگر سخن، کمیسیون ملی جبران خسارت مرجع «تجدیدنظر» از آراء کمیسیون استانی است و به جهات ماهوی و حکمی اعتراضات به آراء کمیسیون‌های استانی رسیدگی می‌نماید. به همین دلیل، این کمیسیون ضمن رسیدگی ماهوی به پرونده، رأی کمیسیون استانی را تأیید یا در صورت اقتضاء فسخ و رأی مناسب صادر می‌نماید. به همین ترتیب کمیسیون ملی جبران خسارت می‌تواند خسارت تعیین شده در رأی مرجع نخستین را کاهش یا افزایش دهد. براساس قسمت اخیر ماده ۲۵۸ ق.آ.د.ک، رأی کمیسیون ملی جبران خسارت قطعی است.

با صدور رأی قطعی از کمیسیون ملی جبران خسارت یا قطعی شدن رأی کمیسیون استانی و ابلاغ آن، در صورتی که حکم کمیسیون به‌طور کلی یا جزئی به نفع متقاضی صادر شده باشد، با تقاضای ذینفع (دادبرده) نسبت به اجرای آن (بدون صدور اجراییه) اقدام می‌گردد (ماده ۲۲ آیین‌نامه). به‌منظور تسهیل اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، صندوقی که بودجه آن از محل بودجه کل کشور تأمین می‌گردد، در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود و وزیر دادگستری محکوم‌به‌راه، در مواردی که مفاد رأی مبتنی بر پرداخت خسارت باشد، از محل آن پرداخت می‌نماید (ماده ۲۶۰ ق.آ.د.ک و ماده ۲۱ به بعد آیین‌نامه). وزارت دادگستری مکلف است تا خسارت موضوع حکم را ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ اعلام کمیسیون به محکوم‌له پرداخت نماید (ماده ۲۳ آیین‌نامه).

رأی کمیسیون استانی و کمیسیون ملی باید مستند و مستدل و میزان خسارت را مشخص کرده باشد مستدل نبودن تصمیمات کمیسیون این تالی فاسد را در برداشته که تجزیه و تحلیل آرای صادره و استخراج اصولی را که جبران خسارت بر مبنای آن‌ها بسیار دشوار می‌نماید، هر گونه ابهام و اجمال در رأی کمیسیون، رفع آن با خود کمیسیون است. در خصوص مطالبه خسارت‌های خارج از مسیر کمیسیون‌های مورد اشاره، قواعد و مقررات آیین دادرسی مدنی در دادگاه‌های عمومی لازم‌الاجرا می‌باشد یعنی ارائه دادخواست و سیر دادرسی دادگاه‌ها و در نهایت تقاضای صدور اجرائیه و مؤظف نمودن شخص محکوم علیه به پرداخت خسارت حکم فرما می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پرداخت خسارت به مظنونین و متهمان بی‌گناه و جایگاه فرآیند عملی آن در نظام حقوقی ایران یک قاعده اصولی و عامه‌پسند در دستگاه قضایی بوده و از آن به عنوان عملی نیک در جهت بازگرداندن، یا جبران خسارات از دست رفته از زیان دیده تعبیر می‌شود. نظام حقوقی ایران ریشه در نظام حقوقی اسلامی دارد رعایت حال زیان‌دیده و خسارت‌دیده از اصول و قواعد موردپسند انبیاء الهی بوده و عدالت در سر لوحه قضاوت حرف اول را می‌زند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و با تغییر برخی از قوانین حقوقی کشور در دوره‌های معاصر، پرداخت خسارت به فرد زیان‌دیده به تدریج در طی دوره‌های مختلفی دارای تغییرات و نوساناتی بوده است تا این که ابعاد و حدود قانونی این مسئله در قوانین جدید ایران مانند: ماده ۲۵۵

ق. آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲؛ بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به تعابیر مختلفی رویکردهایی را در مظنون پرداخت خسارت ارائه داده‌اند. به خصوص در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش بوده و قانون‌گذار پرداخت خسارت را امری مسلم قلمداد کرده اما از لحاظ ابعاد مختلف در مرحله اجرا با برخی کم کاری‌ها و سهل انگاری‌های پیش آمده در دادرسی به صورت سهوی که ناشی از بروکراسی‌های اداری در دستگاه قضا است حدود پرداخت خسارت و ابعاد آن دچار بحران و یا سؤال برانگیز شده است، گفتمان غالب و نگرش حاکم بر تدوین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مسیر ابتدایی قرار دارد، چرا که در راستای خسارت‌زدایی از کلیه خسارت وارده به زندانی بی‌گناه دارای نگرش کل‌گرا نبوده و خسارت روحی-روانی و عاطفی وارده بر این دسته از افراد آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است.

پرداخت خسارت به زندانی بی‌گناه که در دام خسارات سنگین و به طور ناخواسته گرفتار شده‌اند در فرآیند دادرسی در نظام حقوقی ایران با روندی به نام روند پرداخت خسارت همراه است. طبیعی است که تمام فرآیندهای دادرسی در محله اجرا در سیستم قضایی باید برای نیل به هدف، مسیر و فرآیندی را طی کند. در حقوق ایران نیز پرداخت خسارت فرآیند آغازین تا مرحله نهایی آن مسیری را طی می‌کند که این روند از حیث مرجع، نحوه محاسبه و مطالبه خسارت دارای ابهامات فراوان می‌باشد چرا که در انشای ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری با وجود مطابقت مواردی از قرار موقوفی تعقیب با هدف و فلسفه جبران خسارت ناشی از بازداشت بی‌گناه به درستی توجه نگردیده و تفکیک نشده است و همچنین عدم اشاره به بازداشت‌های غیر ضروری و غیرموجه در قانون با این توضیح که در صورت وجود امکان توسط به قرارهای تأمین دیگر، متهم بازداشت و در بازداشت بماند ولو آنکه متهم النهایه متهم شده باشد، باید بازداشت را غیرموجه تلقی کرد و در ردیف بازداشت فرد بی‌گناه قرار داد و نکته دیگر اینکه در خصوص متهمان و محکومان بی‌گناهی که در جریان دادرسی بازداشت نشده‌اند، اما در فرآیند دادرسی کیفری بلاجهت درگیر شده‌اند و از این مسیر متحمل خسارات مادی و معنوی گردیده‌اند قانون ساکت و حق جبران قائل نشده است که همه این موارد در کنار ابهامات دیگر سبب برداشت‌های متفاوت از قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه می‌باشد.

پیشنهادهای

- توسعه این قانون نسبت به زیان‌های ناشی از سایر تصمیمات قضایی، چرا که می‌تواند گامی جدی در جهت حقوق متهمین بی‌گناه باشد و سبب افزایش کیفیت عملکرد دادگستری و تصمیمات قضایی متن‌تر و عادلانه‌تر گردد و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی بالاتر رود.
- لزوم علنی بودن برگزاری جلسات کمیسیون تا به نحوی افکار عمومی بر عملکرد این کمیسیون نظارت داشته باشد.
- ارائه ضوابط و معیارهای مشخص در نحوه تعیین خسارت در خصوص هر یک از خسارت‌های مادی و بالخاص معنوی، چرا که مبهم بودن این موضوع سبب سوء استفاده و بعضاً تضعیف حقوق افراد می‌گردد.

- اطلاع رسانی به افراد در بدو احضار یا دستگیری در خصوص داشتن حق مطالبه جبران خسارت در ایام بازداشتی که منجر به منع تعقیب یا براءت گردد.
- لحاظ نمودن هزینه‌های دفاعی که متهم برای دفاع از خود پرداخت نموده، که مصداق بارز آن اختیار وکیل است در محاسبه جبران خسارت.

منابع

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ نوزدهم، ویراست پنجم، تهران: سمت، ۱۳۹۵.
۲. آشوری، محمد، حق متهم بی گناه به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت در عدالت کیفری، مجموعه مقالات، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۳. امامی، سید حسن، مجموعه مقالات، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه ملی سابق، شماره دو.
۴. بابایی، ایرج، «نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۳۴۸، هفتم، بهار، تابستان، شماره ۱۵ و ۱۶ ص ۴۸.
۵. پوراستاد، مجید، اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره سه، ۱۳۸۷.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰.

۷. جلیوند، یحیی، مسئولیت مدنی قضاوت و دولت در حقوق ایران، فرانسه، آمریکا و انگلیس، نشر یلدا ۱۳۷۳.
۸. خادم سربخش. مهدی، سلطانی نژاد، هدایت الله، اصل قابلیت جبران کلیه خسارت، مجله مبانی فقهی حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوازدهم، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰.
۹. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری جلد اول، چاپ نهم، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۲.
۱۰. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.
۱۱. خوافیان چمن آبادی، حسن، جبران خسارات ناشی از بازداشت متهمین بی گناه در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور کرج، ۱۳۹۳.
۱۲. راغب الأصفهانی، ابی‌القاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۳. سیدحاتمی، مریم، کریمیان، فاطمه، خسارت ناشی از بازداشت با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۷.
۱۴. شایگان، اسماعیل، آشوری، محمد، نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی گناه: پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی، مجله پژوهش‌های حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۹۷.
۱۵. صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، ۱۳۵۰.
۱۶. صورت مشروح مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلسه ۶۴، امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۷. علامه، غلام حیدر، اصول راهبردی حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
۱۸. غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۳۳۲.
۱۹. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، شهردانش، ۱۳۸۹.
۲۰. قاسم زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۹۳.
۲۱. مرحوم کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزام‌های خارج قرارداد، ضمان قهری، تهران، انتشارات سمت، جلد نخست، چاپ نخست، ۱۳۷۴، ص ۵۶۴.
۲۲. مرحوم کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، با همکاری جنیدی، لعیبا، و غمامی، مجید، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۹.
۲۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، جلد ششم، ۱۳۷۵، ص ۱۴۱۹.
۲۴. مهمان نواز، روح‌ا...، خسارت قابل جبران در حقوق ایران، انتشارات آثار اندیشه، ۱۳۸۸.
۲۵. نجفی اسناد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی، انتشارات بین‌المللی الهدا، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۳۹۰.
۲۶. نهرینی، فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۷. یزدانیان، محمدرضا، نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد قرار بازداشت موقت: رویکرد تطبیقی، نشریه تحقیق پژوهشی کاراگاه، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۴.

۲۸. یوسفیان، بهنام، نگرشی تطبیقی به جبران خسارت وارد شده بر محکومان بی گناه، از نظر تا واقعیت،
مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، ۱۳۹۲